

چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم

نویسنده : مارک فیشر

مترجم : سیما لشنی

ویراستار : احمد رضا اسعدی (پیرداد)

Fisher, Mark

فیشر، مارک، ۱۹۵۳ - م

چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم / نویسنده مارک فیشر ... [آلن مارک]؛ مترجم

سیما لشنی، ویراستار احمد رضا اسعدی (پیرداد) - تهران: ابوعطا، ۱۳۸۵

۱۰۴ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. ۲۰۰۰۰ ریال: 3 - 61 - 8219 - 964 ISBN

How to think like a millionaire, 1997

عنوان اصلی:

۲۰۰۰۰ ریال.

۱. موفقیت -- جنبه‌های روانشناسی. الف. لشنی، سیما، مترجم. ب. آلن مارک.

Allen Mark ج. عنوان. عنوان: چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم.

۱۵۸/۱

۹ ف ۸ م / BF ۶۳۷

۱۳۸۵

م ۸۵-۲۲

کتابخانه ملی ایران

نام کتاب: چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم

ناشر: انتشارات ابوعطا

نویسنده: مارک فیشر

مترجم: سیما لشنی

مدیریت اجرا: سیمین بندرومی

ویراستار: احمد رضا اسعدی (پیرداد) Pirdaad@gmail.com

طراحی جلد: سارا صالحی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مینا راسخی اقدم

ناظر چاپ: شیرین جوادی ممقانی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۶

شمارگان: ۲۵۰۰ نسخه

شابک: ۳ - ۶۱ - ۸۲۱۹ - ۹۶۴ ISBN: 964 - 8219 - 61 - 3

صندوق پستی: ۹۸۱ - ۱۳۱۴۵

دفتر مرکزی: ۹ - ۶۶۴۸۵۹۳۷

مرکز پخش: ۶۶۹۵۰۹۵۳ - ۶۶۴۰۰۵۴۷ ۰۹۱۲۴۷۷۸۶۹۲

چاپخانه: نقش گستر

سایت: www.Abooata.com

پست الکترونیک: razetahavol@yahoo.Com

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

فهرست

.....	پیشگفتار ویراستار	
۱		مقدمه
۷		فصل اول: از کجا شروع کنیم؟
۲۳		فصل دوم: ثروت یک مقوله‌ی ذهنی است
۳۹		فصل سوم: حذف موانع ذهنی
۵۱		فصل چهارم: تصمیم‌گیری
۶۳		فصل پنجم: کاری که دوست دارید انجام دهید
۷۵		فصل ششم: جادوی هدف‌ها
۸۵		فصل هفتم: طرح و برنامه‌ی عمل

« پیشگفتار ویراستار »

کسب و کار بسان جامه‌ای است که در موقعیت‌ها تغییر می‌کند، گاه اندیشه‌ای ناب را در قامت خشت مالی می‌بینی و فتوت و جوانمردی را در طبق یک نانوا. من استادی را دیدم هوشمند و فرزانه. یک متفکر امروزی. نام و قومیت او چیست؟! مهم نیست.

ببین چه می‌گوید، نبین که می‌گوید. (پیامبر اسلام)
چند صباحی در خدمت ایشان بودم و بسیار آموختم، حال برگي از آن‌ها را تقدیم می‌کنم، امید که قبول افتد.

مارک فیشر صاحب کتاب 'چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم' در سفری عاشقانه به نکاتی اشاره کرده که همچون پیرامی فرزانه راه گشاست.

۱ - فرصت (هدف بالقوه)

۲ - کشف لایه‌ای از حقیقت، پنداره و به لفظ فرنگی پارادایم.

۳ - دارایی‌های نامشهود و غیبی (عمر گرنامه، باور قلبی، شعور و معرفت)

۴ - دارایی‌های مشهود (ثروت بیکران، میلیونر شدن) که اگر آن‌ها را دریابیم، دریابیم.

بیایم فضای بازی درونی و بیرونی خویشتن را شناسایی کنیم و با تحقیق و پژوهش عنصر مفید نوآوری را دریابیم.

بدانیم هر عصری، چارچوب و قواعد جدیدی دارد و فرونشاندن نوآوری در نظام اقتصادی، گناهی نابخشودنی است.

حساسیت ذهنی، ذهن پرسشگری که از وضعیت موجود راضی نیست و امید به آینده دارد او خوب می‌داند که حسرت لحظات تلف شده‌ی زندگی، گناه بزرگی است.

هر بینش انقلابی که با آگاهی، تعادل و هوشمندی آمیخته شود به تکامل می‌رسد و جاودانه خواهد شد.

بدانیم ، هوشمندی عطیه‌ای است الهی ، که با آموزش می‌توان به مهارت استفاده از این نعمت پی برد .

مدرک تحصیلی ، کمیت سابقه ، بال‌های هوشمندی هستند .

حرکت عاشق بر اساس هوشمندی است و یک میلیونر، هوشمندی است عاشق . چرا؟!... چون ثروت بی شماری دارد، آن‌جا که ثروت هست، وفور و فراوانی است . آفرین بر تو که همچون باران می‌باری و خیال هم نمی‌کنی این پیاله از آن کیست که پُر باران شده است ؟

بخشنده برنده است . (پیرداد)

ثروت ، فرصت‌های شایانی ایجاد می‌کند و پاسدار ارزش هاست .

ثروت گشاینده سیستم‌های بسته است و هر روز ، بیشتر ، بهتر و روشن تر خدمت می‌کند .

عاشق ، ثروت را قدرتی می‌داند که پشتوانه‌اش معرفت است و ابزارش انصاف و هرگز بازوری که پشتوانه‌اش غرور و جهالت است و ابزارش یورش ، اشتباه نمی‌گیرد .

بیاموزیم ، میلیونر عاشقی باشیم همچون خورشید .

خورشید باش که اگر خواستی بر کسی نتابی ، نتوانی . (زرتشت)

شکر می‌کنم خدایی را ، که مرا از یاد نبرده و در میان دستان مهربانش مرا نگهداشته است .

کمترین

احمد رضا اسعدی (پیرداد)

فورشید باش که اگر خواستی بر کسی
نتابی ، نتوانی .

(زرتشت)

دوست عزیز

سلام

از آن جا که مدیریت در هر کشور روش خاص خود را دارد ، بی صبرانه منتظر نظرات شما خوانندگان گرامی درباره ی کتاب " چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم " هستیم و در نظر داریم از میان پیشنهادهای برگزیده ی شما خوانندگان گرامی ، تعدادی را در چاپ های بعدی منظور نماییم . لطفاً در صورت امکان نظرات خود را در برگه ی مقابل نوشته و به نشانی ما ارسال کنید تا بتوانیم :

* ارتباط بیشتری با شما داشته باشیم .

* از تازه های نشر آگاهتان کنیم .

* نیازسنجی پیش از انتشار را بهتر انجام دهیم .

* کار انتخاب کتاب های بعدی به صورت گروهی انجام شود .

* محفلی برای آگاهی مدیران از نظرات جمعی ، ایجاد شود .

* در جمع بندی کتاب به شما کمک کنیم .

* امیدوارم نظرات منتخب شما درباره ی نحوه ی صفحه آرایی ، طرح جلد

حروفچینی ، مفاهیم و ... بر کیفیت و کمیت کتاب بیافزاید .

* در می یابیم بازتاب کتاب " چگونه مثل یک میلیونر فکر کنیم " در زندگی

روزمهری ما چگونه است .

۱ - آیا نیاز به چاپ کتاب اصلی وجود دارد .

۲ - بهترین کتاب مدیریت که تا کنون مطالعه کرده اید را نام ببرید .

توجه : لطفاً مشخصات کامل را با ذکر تلفن درج کنید .

با سپاس

مدیریت انتشارات ابو عطا

انسان با داشتن نیروی پویا، هرگز از خزیدن احساس رضایت نمی‌کند

(هلن کلر^۱)

مقدمه

«موفقیت یک نوع روش و نگرش است. موفقیت برای کسی که باور دارد می‌تواند موفق شود و آرزوی خویشتن را مبنای عمل قرار دهد، به سادگی قابل دسترسی است و اسرار پیچیده‌ای ندارد.» بسیاری از کسانی که به موفقیت‌های بزرگ نایل شدند، هنگامی که داستان موفقیتشان را می‌گویند قبل از دستیابی به هدف نهایی، همواره از رویاها و شور و شوق خود صحبت می‌کنند. در واقع نکته‌ی مهم این است: آن‌ها عاشق کارشان بودند.

سعادت‌مندی‌های بزرگ و حتی کامیابی‌های کوچک، مثل برخورداری از ثبات مالی نسبتاً خوب، اغلب بخشی از این رویاها بوده، اما قوی‌ترین نیروی محرکه‌ی این آدم‌ها برای جهت دادن به شور و هیجان آن‌ها، رویای ثروتمند شدن است و بس. آیا می‌توان تصور کرد: استیون اسپیلبرگ^۲، اگر عاشق فیلم نبود، می‌توانست ثروت‌های میلیونی کسب کند؟ یا هنری فورد^۳ اگر مجذوب ماشین آلات نبود؟ یا دون کاهن^۴ اگر عاشق لباس‌ها نبود؟

ما کاری را انجام می‌دهیم که آن را دوست داریم و استعدادهای ذاتی ما متجلی می‌شود. بدون این که زبانی به کسی وارد کنیم می‌توانیم در بالاترین سطح

1 . Helen Keller
3 . Henry Ford

2 . Steven Spielberg
4 . Donna Karen

ممکن برای خود، اجتماع و حتی سیاره‌ای که روی آن زندگی می‌کنیم مؤثر و مفید باشیم.

موفقیت را نمی‌توان به تقدیر و سرنوشت نسبت داد، بلکه موفقیت استفاده‌ی آگاهانه از موقعیت‌های پیش روست. به بیانی دیگر: خوش شانس‌ی هنگامی اتفاق می‌افتد که فرد آمادگی لازم را برای استفاده از فرصت‌های مناسب داشته باشد. سن، تحصیلات، پول، زمینه‌ی خانوادگی و تجربیات کودکی، موارد اصولی هستند که برخلاف ظاهرشان موضوع مهمی برای سعادتمند شدن ما نیست. دوران کودکی بسیاری از میلیونرهای بزرگ و پر آوازه، ستارگان سینما، مخترعان و کاشفان بزرگ و بسیاری دیگر از افراد موفق دنیا، اغلب فقیرانه حتی در برخی اوقات توأم با فلاکت و بدبختی بوده است. تعداد زیادی از آن‌ها در دوران تحصیل به طور قابل توجهی، کند ذهن به نظر می‌رسیدند. اما آن چه اهمیت دارد این است که هر کدام از آن‌ها در مقطع مهمی از زندگی تصمیم گرفتند سرنوشت خود را به دست گیرند و با انگیزه و انرژی خارق العاده برای ایجاد تحولی شگرف، در جهت تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر، آستین همت بالا زدند. در این کتاب سعی شده، با استفاده از مثال‌های متعدد و ایجاد بصیرت و خود آگاهی هر چه بیشتر شاهراه‌های کسب موفقیت و سعادت بیان شود.

احتمالاً همه‌ی شما در طول زندگی، با وقایعی مواجه شدید که نقطه‌ی عطف زندگی شما محسوب شده و زندگیتان را تغییر داده است.

صرف نظر از این که در چه سنی و چگونه آن موقعیت را درک کرده‌اید به یاد دارید که در آن موارد چه قدر هوشیار و پذیرا بودید. باور داشتید ممکن است این تغییر از یک نشانه شروع شود و درست در همان هنگام به بالاترین اهداف خود، نایل شدید! مهم این است که باور داشته باشید واقعاً می‌توانید زندگی خود را آن طوری که می‌خواهید و آرزو دارید، بسازید. در جامعه

انسان‌های موفق را هنگامی می‌شناسیم که در قله‌ی موفقیت ایستاده‌اند و ما فقط نتیجه‌ی نهایی کار آن‌ها را می‌بینیم، ستاره‌ی فیلم، میلیونر موفق، هنرپیشه و به این ترتیب، این‌طور به نظر می‌آید که آن‌ها یک شبه و خیلی راحت به موفقیت دست یافته‌اند و سال‌ها تلاش، ممارست و صبوری آن‌ها برای کسب موفقیت از نظر ما دور مانده است. **داستین هافمن**^۱ به شوخی می‌گوید: برای موفق شدن یک شبه ۱۰ سال وقت صرف کردم و **ری کروک**^۲ مؤسس **مک دونالد**^۳ در زندگی نامه‌ی خود می‌نویسد: این که من یک شبه موفق شدم درست است. اما ۳۰ سال یک شب بسیار طولانی است. یکی از جنبه‌های با اهمیت در زندگی افراد موفق این است که همه‌ی آن‌ها گاهی شکست‌های مکرر و متوالی را تجربه کرده‌اند. علت این که بسیاری از افراد هرگز به موفقیت دست نمی‌یابند این است که بعد از یکی دوبار شکست خوردن، از هدف متعالی مطلوب خود صرف نظر می‌کنند.

ناپلئون هیل در کتاب «فکر کنیم و ثروتمند شویم» داستان معدن کاری را شرح می‌دهد که بعد از ماه‌ها جستجو و پیگیری مستمر، بالاخره موفق به یافتن طلا می‌شود. او با توضیح این مثال می‌خواهد بگوید: «هر چیز را که در زندگی بخواهیم و مصرا نه برای آن تلاش کنیم، بالاخره به دست می‌آوریم.» در هزاره جدید، موفقیت به گونه‌ای متفاوت تعریف می‌شود: فقط تعداد کمی از مردم خود را مستحق داشتن مشاغل عالی می‌دانند و این در حالی است که آن‌ها برای کسب ثروت‌های میلیونی، زندگی خانوادگی و سلامتی خود را فدا می‌کنند. امروزه موفقیت، سعادت و خوشبختی در قالب یک زندگی متعادل تعریف می‌شود. زندگی که شامل داشتن شغلی مناسب، با روابطی دوستانه و صمیمانه باشد، یک زندگی خانوادگی شاد و مرفه است.

1 . Dustin Hophman
3 . Mac Donald

2 . Rey Kroc

در نظر سنجی اخیر نیویورک تایمز^۱ برآوردی از نظرات مردم به عمل آمده است که نشان می‌دهد کار کمتر و وقت بیشتر با خانواده و دوستان، برای آن‌ها از اهمیت بیشتری برخوردار است و کسب اعتبار، شهرت و افتخار در رتبه‌های بعدی قرار دارد.

در حال حاضر کار زیاد فقط نوعی سرویس دمی به اطرافیان محسوب می‌شود. خواسته‌های متداول افراد، در واقع بیشتر شامل ایجاد ارتباطات زیبا و مؤثر و داشتن زمان لازم برای لذت بردن است. آن چه امروزه برای دستیابی به تأمین مالی و ثروت اهمیت زیادی دارد، «کار کردن» بر اساس «خوب فکر کردن» است ما با در اختیار داشتن این ثروت غیبی از آزادی‌های بیشتری برای دنبال کردن لذت‌ها و علایق برخوردار می‌شویم و ضمن این که خودمان به خوبی زندگی می‌کنیم، توفیق همیاری کمک به دیگران را نیز خواهیم داشت.

یک ضرب‌المثل چینی می‌گوید: «مسافرت هزار مایلی، از قدم اول شروع می‌شود.» مطالعه‌ی هوشمندانه این کتاب به شما می‌آموزد که چگونه اندیشه‌ی خود را وسعت بخشیده و با فکر روشن و باز بتوانید بهتر از گذشته عمل کنید. هدف فقط کشف چیزهایی که واقعاً می‌خواهید نیست، بلکه به شما نشان می‌دهد که چگونه می‌توانید به اهدافتان دست یابید.

شاید شما هم مثل خیلی‌ها از شغل فعلی رضایت ندارید. برخلاف آن چه تصور می‌کنید، می‌توانید به رغم بیکاری حتی سریع‌تر از آن چه فکر می‌کنید شغل ایده‌آل و رویایی خود را بیابید. متأسفانه اکثر مردم معمولاً به شما می‌گویند نمی‌توانید هر چیزی که در زندگی می‌خواهید، به دست آورید از جمله یک شغل رضایت بخش و این با شماست که بپذیرید یا نپذیرید. فقر بیماری، تنهایی، نباید علت خدمتگزاری شما به دیگران باشد.

نکته : اکثر شما بالاخره شغل مورد نظر خود را پیدا می‌کنید . اما این نکته شما را تشویق نمی‌کند که دست به هر کاری بزنید ، هر شغلی را تجربه کنید و موفق شوید ، هر کسی توانایی انجام این کار را ندارد . آن چه شما نیاز دارید ، شخصیتی است که شما را به سوی موفقیت های بزرگ رهنمون سازد . حال اگر ضرورت این موضوع را حس می‌کنید ، مطمئن باشید شایستگی لازم برای صعود از پله های موفقیت و ثروت را دارید . این کتاب یک راهنماست . اگر شما مایل به مدیریت بازرگانی نیستید ، برای یافتن راه بهبود زندگی خود و ایجاد شرایط مالی مناسب تر و ساختن چشم اندازی روشن تر و بهتر از آینده ، می‌توانید با اطمینان از این کتاب استفاده کنید . برخی از این اصول ممکن است نخست حیرت آور باشد و برخی دیگر پیش پا افتاده و ساده به نظر برسند . اجازه ندهید چنین مسائلی اهمیت قوانین طلایی را از نظر شما پوشیده نگه دارد . ورود اکثر نظریه های پیچیده به زندگی روزمره ی ما بسیار مشکل است . بهتر است گاهی اوقات درباره ی آن ها فکر کنیم . آیا شما تا کنون آن ها را به کار برده اید ؟

آیا آن ها بخشی از زندگی و عادات کاری شما هستند ؟ این کتاب را به آرامی بخوانید . گاهی توقف کرده و روی مطالب آن تأمل کنید ، آن ها را در نظر خود مجسم کنید و در زندگی به کار بگیرید . مطالب در این کتاب به طور مکرر توضیح داده می‌شود ، زیرا این حقایق ساده باید دوباره تکرار شوند تا آگاهانه آموخته شوند و مبنای عمل قرار گیرند ؛ آن وقت شاهد تغییراتی بزرگ در زندگی خواهیم شد .

« ارشمیدس^۱ پس از بحث درباره ی اهرم ها می‌گوید : به من یک نقطه تکیه‌گاه بده خواهی دید که جهان را از جا بلند می‌کنم . » برای دستیابی به موفقیت شما احتیاج به یک اهرم و تکیه‌گاه دارید . اکنون این کتاب یک اهرم و تکیه‌گاه برای دستیابی به رویاهای شما می‌باشد .